

کالیبر
نشریه
مستقل
دانشجویی

پشت پرده



انقلاب شفافیت

می‌یافت و کماکان می‌یابد و هزاران هزار مسئله مهم دیگر. همچنین سوءمدیریت‌ها تنها در حیطه مسائل دانشجویان نبوده است! این روزها برخی کارمندان دانشگاه نیز با عدم پرداخت حقوق و تاخیر در آن مواجه‌اند و صدای آنان شنیده نمی‌شود.

حالا دوران جمع‌بندی فرارسیده و نوبت پاسخگویی مدیران و بالاخص مسئولین مالی دانشگاهی است؛ که کدامین اعتبار به حل این معضلات مهم دانشجویی اختصاص پیدا کرده است؟

چرا یک مدیر دانشگاهی حتی پس از سال‌ها تکیه بر کرسی‌های مدیریتی آن، هنوز یک بار - حتی یک بار - در بین فعالین دانشجویی و تشکل‌های دانشگاه حضور پیدا نکرده است و این در حالی است که سرنخ تمام اتفاقات و فعالیت‌های غیرمرتبط با اولویت دانشجویان، مستقیم با مسئولیت آن مدیر در ارتباط است؟ مگر پرسشگری دانشجویان و رفع ابهام آنان در مسائلی مانند جشن هفتادسالگی، برداشتن دیوارها، مجسمه فردوسی و... چه ضرری متوجه جایگاه ایشان خواهد کرد؟

ما مثل بعضی‌ها طرفداران تئوری توطئه نیستیم که با مطرح کردن شبهات غلط و درست، برچسب و تهمت، سعی در جمع کردن فالوور برای خودمان باشیم! ما به عیان می‌گوییم و در عیان مطالبه می‌کنیم که چرا اینگونه مدیری باید با سلام و صلوات بیاید و برود؛ و حتی یک بار نسبت به آنچه عمل کرده است پاسخگو نباشد؟

تکرار همیشه بد نیست. گاهی باعث می‌شود که یادمان بیاید روزهای گذشته چگونه گذشته و از آن برای آینده عبرت بگیریم. خوب است در دوران جمع‌بندی سوالات ساده و مهم و تکراری را مجدد مطرح کنیم و برای رسیدن به یک پاسخ مشخص آن را صادقانه، مصرانه و مدبرانه پیش ببریم. کما اینکه هر کجا دانشجوی پشت دانشجوی ایستاد، مزه شیرین نتیجه مطالبه به حق خود را زودتر از آن چیزی که حس کند دریافت کرده است.

روزگاری مدیران این دانشگاه در سالگرد هفتاد سالگی آن که بدون حضور دانشجوی برگزار شد، سخن از این به میان آوردند که اینگونه برنامه‌ها برایمان اعتبار به ارمغان خواهد آورد؛ و در همان روزگار، سازه‌ی طرح مجتمع تئاتر دانشگاه، مدت‌ها به انتظار تامین بودجه معلق مانده بود و هست. خوابگاه‌های متاهلی منتظر دریافت اعتبار برای خدمات‌دهی بهتر و جامع‌تر برای دانشجویان متاهل بودند و هستند. فاضلاب آزمایشگاه‌های دانشکده علوم که پر از مواد شیمیایی است به کال دانشگاه می‌ریخت و هنوز هم میریزد. هزینه‌ی شام و ناهار دانشجویان افزایش



روزگار تخلفات غیرقانونی تقریباً به سر آمده و در کوچه‌ی بن‌بست ضوابط گرفتار شده است. **امروز جنگ، جنگ اولویت‌هاست.** جنگ اینکه به چه چیزی پردازیم و به چه چیزی نپردازیم. چه چیزی مهم است و چه چیزی نامهم. دست چه چیزی را بگیریم و آن را بر بالای سکو ببریم و چه چیزی را با لگد به حاشیه برانیم و آن را به زمین بزنیم. کارکرد دانشگاه نیز همین است. جایی که باید «داد» بزند و به همگان اعلام کند «مهم و نامهم» چیست. و دانشجویان از این روبرو بالای مودنه می‌شود «داد بزن».

همه اما به دنبال این نیستند که دانشگاه چنین جایگاهی پیدا کند و طلایه‌دار مسیر پیشرفت باشد. عده‌ای - و به حقیقت عده‌ای - روزی‌شان در قبال جابه‌جا کردن اولویت‌هاست. شبه‌مدیرانی که همیشه پول می‌گیرند تا اولویت‌ها را به ما نشان بدهند، گاهی خود پول‌ها را حیف و میل «بی‌اهمیت‌ها» می‌کنند. اینجا خطوط به همان اندازه مبهم است که گاهی دانشجویان نیز فریب ظواهر را می‌خورند و احساس می‌کنند در حال نقش‌آفرینی در یک مسیر مثبت است. اما غافل از اینکه او یک مهره بزرگ است که تا در پازل همان شبه‌مدیران بازی نکند، آن‌ها موفق نخواهند شد و نهایت وظیفه او می‌شود «داد بزن».

پس در این یک قلم تفاوتی نمی‌کند که در کدام خط و مسیر و راه به سر می‌بریم، چون همه ما در رفع ابهام نسبت به مسائل پس و پیش‌مان مشترکیم. «رفع ابهام» کلید حل مشکلات کلان امروز دانشگاه است. زیرا دانشجویان به اندازه کافی از فهم و بصیرت برای تشخیص بهترین‌ها برخوردار است و تنها باید بر همان عده‌ای غلبه کند که با رفع ابهام نسبت به پشت‌پرده‌های مسائل دانشجویی و دانشگاهی مخالفاند و از این راه حیات سیاسی و اجتماعی‌شان تامین می‌شود. شاید به تعبیری دیگر، امروز نوبت هزینه دادن به قیمت یک انقلاب در دانشگاه است. انقلاب شفافیت!

شاید به تعبیری دیگر، امروز نوبت هزینه دادن به قیمت یک انقلاب در دانشگاه است.

انقلاب شفافیت!



توجه به محتوا و ماهیت علمی اثر ارائه شده، به بیان ایرادهایی از این دست، می‌پردازند. در این که یک دانشجوی تحصیلات تکمیلی باید کار خودش را از نظر ظاهری و محتوایی بی‌غلط تحویل دهد، شکی نیست؛ آنچه مسلم است این است که ارزش محتوا بیش از ظاهر است و بهتر است به این بعد توجه بیشتری شود. بعد از توقیفی نسبی در نقد ظاهر اثر با طرح سوالات عجیب و غریبی از سوی داور که گاهی پاسخ آن برای استادها هم دشوار است به نوعی دانشجوی را خلع سلاح می‌کنند. در مواردی هم که دانشجوی پاسخ خود را ارائه می‌کند، گاهی این پاسخ‌ها خوشایند طبع داوران محترم نمی‌باشد. بعضی از استادان مشاور هم که در روند کار آن طور که شایسته است اقدام به همکاری ننموده‌اند، لطفشان را در جلسه‌ی دفاع، با طرح چند سوال شامل حال دانشجوی می‌کنند!

مسئله این است: در این شکی نیست که که کار بی‌ایراد وجود ندارد، اما همیشه انجام یک کار سخت تر از بیان ایرادهای آن است. ای کاش در آن دسته از جلسات دفاعی که این مسائل دیده می‌شود، علاوه بر بیان اشکالات کار، از نقاط قوت کار هم سخن گفته شود و بیشتر به ماهیت اثر ارائه شده پرداخته شود و به معنای حقیقی، امر داوری صورت پذیرد.

آشنایی با این جلسات کافی است به چند مورد از آن‌ها مراجعه کنیم. صرف نظر از تفاوت‌هایی که در رشته، گرایش و یا موضوع پایان‌نامه‌ها وجود دارد، شباهت‌هایی در این جلسات به چشم می‌خورد. شروع جلسه همه چیز آرام است جز چشمان دانشجو! پس از تمام سختی‌هایی که برای به ثمر رسیدن زحمت‌هایش کشیده و موفق به مجوزی برای دفاع از دانسته‌هایش شده، ناگهان اضطرابی وجودش را فراموش می‌کند و او را برای آن چه قرار است اتفاق بیفتد، نگران می‌کند. در تک‌تک جمله‌هایی که بر زبان می‌آورد، چشمانش نگاه داور را دنبال می‌کند و در حالیکه مشغول ارائه مطالب است، به تفسیر رفتار او در ذهنش می‌پردازد. پس از پایان ارائه مطلب، در بعضی از این جلسات محاکمه را آغاز می‌کنند. صرف نظر از داورهای منصفی که در هر رشته و گرایشی به دفاع از نام داور می‌پردازند، سخن می‌گوییم. در بعضی از جلسات دفاع، نوعی تسویه حساب شخصی بین داور و استاد راهنما وجود دارد و آنچه اتفاق می‌افتد، نتیجه‌اش بی‌ارزش شدن یک کار علمی دانشجویی است. جدا از این مسائل، معمولاً داوران محترم کار را با بیان ایرادهایی از علائم نگارشی به کار برده شده در متن آغاز می‌کنند و بیشتر از

اواخر ترم که می‌رسد، بازار دفاع پایان‌نامه‌های دانشجویی هم داغ‌داغ می‌شود؛ دانشجویان به هر ریسمانی چنگ می‌زنند تا قبل از ترم جدید برای فرار از جریمه، مجوز دفاع را بدست آورند.

در این میان گاهی مسائلی پیش می‌آید که در آخر، تنها به ضرر دانشجو تمام می‌شود. برای دفاع برخی پایان‌نامه‌ها که مراحل آن در آزمایشگاه انجام می‌شود، گاهی امکانات دانشگاه کافی نیست و در بعضی مواقع هنگام نمونه‌گیری نهایی به طور اتفاقی تعمیرات در آزمایشگاه صورت می‌گیرد و امکان آزمایش مقدور نمی‌باشد؛ در مواردی هم به طور خیلی اتفاقی برای استاد مشکلی پیش می‌آید و اجازه دفاع داده نمی‌شود. آنچه مسلم است در هر صورت دانشجوی باید جریمه را بپردازد!

در این میان عده‌ای هم موفق به کسب مجوز دفاع می‌گردند. در راهروهای دانشکده اطلاعیه‌هایی از این دست، به چشم می‌خورد. برای

خفاش شب

شنانامه

● گاهنامه فرهنگی طنز، اجتماعی، علمی، ادبی
کالیبر - شماره چهارم | اسفند ۱۳۹۹

● دارای مجوز به شماره ۹۶۳۵۳۷ از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه
فردوسی مشهد

● صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: حمیدرضا وفایی قائنی

● طراحی و صفحه‌آرا: فائزه ناصری فرد



s a n a d . u m . a c . i r

آرشیو بروز نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد

آرشیو کامل نشریات دانشجویی • اخبار و اعلان های خانه نشریات • نحوه درخواست مجوز نشریه
نحوه دریافت حمایت مالی • اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات • نحوه ثبت آرشیو نشریه
دستورالعمل نشریات دانشگاهی • نحوه شرکت در جشنواره نشریات • اسناد و آئین نامه ها • لیست نشریات فعال